

مصر، سرپرست تصحیح مکاتبات رسمی خلیفه بوده است و بعید نیست که افرادی را نیز به عنوان کاتب خاص دارالخلافه تعلیم داده (همانجا) و چه بسا کتاب مواد البیان خود را به همین سبب تألیف کرده باشد. صالح (همانجا) تحقیق ارزشمندی پیرامون علی بن خلف و مواد البیان او انجام داده است. وی که خود نسخه‌ای از مواد را در اختیار داشته، گوید این کتاب برای کاتبان دیوان انشا نوشته شده و در آن سنتها، رسوم و ضوابطی که می‌بایست در نگارش مکاتبات دیوانی رعایت گردد، بیان شده است. ظاهراً نسخه موجود ناقص است، زیرا بنا به قول صالح (ص 196) مطالبی در فلکشندی آمده که در اصل نسخه موجود نیست. صالح یک فهرست موضوعی نیز در پایان کتاب افزوده است (صص 197-200).

تاریخ مرگ او نیز همانند تولد و زندگیش بر ما پوشیده است. حبال مصری (۱۱۱/۳۳۶ - ۳۳۷) ضمن وفیات ۴۵۵ ق، از شخصی به نام ابوالحسن علی بن خلف الزیات نام می‌برد که در ماه شوال در گذشته است. با توجه به تاریخ تألیف مواد، یعنی ۴۳۷ ق، احتمال می‌دهیم که این شخص همان ابن خلف مورد نظر ما باشد.

مأخذ: حاجی خلیفه، کشف حبال مصری، ابواسحاق، «وفیات المصریین»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، ۱۳۷۴ ق/ ۱۹۵۵ م؛ فلکشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی، قاهره، ۱۳۸۳ ق - ۱۹۶۳ م؛ نیز:

ElʿS; Saleh, Abdel Hamid, "Une source de Qalqasandi", Arabica, Leiden, 1973.

عباس حجت جلالی

ابن خُلَف، اسماعیل، نک: اسماعیل بن خلف

ابن خُلَکَان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن شهاب‌الدین محمد (یا بهاء‌الدین: ابوشامه، ۲۱۴) بن ابراهیم بن ابی بکر بن خلکان (۱۱) ربیع الآخر ۶۰۸ - ۲۶ رجب ۶۸۱ ق / ۲۲ سپتامبر ۱۲۱۱ - ۳۰ اکتبر ۱۲۸۲ م)، قاضی، مورخ و ادیب مشهور شافعی مذهب، ضبط واژه «خُلَکَان» به فتح خاء و کسر و تشدید لام است که گویا خود شمس‌الدین احمد نیز چنین می‌نوشته (نعمی دمشقی، ۱۹۲/۱) و به گونه‌های متفاوتی هم ضبط شده است (نک: زبیدی، ۱۲۶/۷؛ خوانساری، ۳۲۰/۱). اسنوی، خلکان را نام قریه‌ای دانسته که به گفته عبدالله جبوری (۴۹۵/۱) هنوز برجای است.

وی از خاندانی که از علما و فقها بودند برخاست که به تصریح کمال‌الدین موسی پسر شمس‌الدین احمد، به قبیله کرد زرزاریه منسوب بوده و نیاکانش که به خالد بن برمک نسب می‌بردند، اصلاً از بلخ برخاستند (عباس، ۴/ط). با اینهمه برخی در درستی انتساب آنان به برمکه تردید داشتند، چنانکه از قول یونینی نقل شده که می‌گفته‌اند آن نسب‌نامه را ابوشامه برای شمس‌الدین احمد بن خلکان بر ساخته است (صفدی، ۳۱۳/۷) و روایتی نیز هست که تسمیه نیای شمس‌الدین احمد را به خلکان ناشی از فخر وی به پدرانش یعنی برمکیان دانسته است که طی آن بدو گفتند: سخن پدرانت را رها کن (= خل کان...

۴۴۹ ق/ ۱۰۵۷ م)، از خاندان مشهور بنی خلدون اشبیلیه (ابن حزم، ۴۶۰: قفطی، ۲۴۳: ابن خلدون، ۵ - ۶).

درباره نام و نیاکان او، از آن هنگام که وارد اندلس شدند، میان نویسندگان اختلاف است. کهن‌ترین منبع ما، نیای ششم او، خالد الداخل، را خلدون خوانده است (ابن حزم، ۴۶۰)، اما عبدالرحمن بن خلدون به نقل از ابن حزم (همانجا) خلدون الداخل را نیای خالد مذکور و نخستین کوچنده (الدخل) این دودمان عرب حَضْرَمی به اندلس دانسته است (التعریف، ۶، قس: ص ۵). از تولد و رشد و زندگی علمی وی اطلاع بسیاری به دست نیامد، تنها گفته‌اند که او شاگرد ابوالقاسم مسلّم بن احمد المَجْریطی (۳۹۸-۳۳۸ ق/ ۱۰۰۸-۹۴۹ م) پیشوای ریاضی‌دانان عصر خود بوده است (همو، ۵: قفطی، ۳۲۶، ۳۲۷)، همچنین نوشته‌اند که محمد بن مروان بن الحکم بن الحکم بن عبدالملک (از بنی مغیره اشبیلیه و امویان اندلس) از یاران وی بوده است (ابن حزم، ۹۲)، و این محمد بن مروان ظاهراً همان القُرْشِ معروف به السلاح است که از آخرین دانشمندان اشبیلیه بوده و با نام ابومروان عبدالملک به دادگری و حساب‌دانی و پرهیزگاری شهرت داشته است (همانجا: ابن صاعد، ۸۴-۸۵). ابن ابی اصیبه (۶۵/۳) به اشتباه احمد بن عبدالله بن الصَّفَّار (د ۴۲۷ ق) طیب، ریاضی‌دان و منجم را شاگرد ابن خلدون دانسته که احتمالاً این اشتباه از قرائت نادرست نوشته ابن صاعد اندلسی (ص ۷۲) ناشی شده، و به پیروی از ابن ابی اصیبه، در منابع متأخرتر نیز تکرار شده است (مقری، ۳۷۶/۳؛ فیلسوف الدوله، ۵۶/۱؛ لک‌لرک، I/544).

مأخذ: ابن ابی اصیبه، احمد بن قاسم، عیون الانباء، بیروت، ۱۳۷۷ ق/ ۱۹۵۷ م؛ ابن حزم، علی بن احمد، جهوره انساب العرب، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ ابن خلدون، عبدالرحمن، التعریف، به کوشش محمد بن تاووت الطنجی، قاهره، ۱۳۷۰ ق/ ۱۹۵۱ م؛ ابن صاعد اندلسی، صاعد بن احمد، طبقات الامم، به کوشش لوئیس شیخ، بیروت، ۱۹۱۲ م؛ فیلسوف الدوله، عبدالحسن، مطرح الانظار، تبریز، ۱۳۳۴ ق؛ قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحکما، به کوشش یولیس لیرت، لایپزیک، ۱۹۰۳ م؛ مقری تلسانی، احمد بن محمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ ق؛ نیز:

Leclerc, Lucien, Histoire de la médecine arabe, New York 1971.

یوسف رحیم‌لو

ابن خُلَف، ابوالحسن علی بن خلف بن علی بن عبدالوهاب (د

۴۵۵ ق/ ۱۰۶۳ م)، یکی از بزرگ‌ترین کاتبان دولت فاطمیان مصر (احتمالاً در دوره المستنصر بالله ۴۲۷-۴۸۷ ق/ ۱۰۳۶-۱۰۹۴ م)، از زندگی او تقریباً هیچ اطلاعی به دست ما نرسیده است. تنها می‌دانیم که در ۴۳۷ ق در مصر می‌زیسته است (ElʿS)، او کتابی به نام مواد البیان (موارد البیان: حاجی خلیفه، ۱۸۸۸/۲) نوشته که نسخه‌ای از آن در سلیمانیه استانبول (ElʿS) موجود است. دو کتاب دیگر نیز به نامهای آلة الکتاب و کتاب الخراج به وی منسوب است (نک: فلکشندی، ۴۳۲/۶؛ صالح، 197-193/XX(1)). در میان منابع، ظاهراً تنها فلکشندی است که در جای جای کتاب خویش (۴۳۲/۶ - ۱۵/۹ - ۱۶، جم)، از علی بن خلف و مواد البیان او نام می‌برد. گویا وی در خدمت فاطمیان